

Research Paper

Characteristics of Educational Rhetoric in Mohammad Ali Foroughi's Modern Educational Books (Case Study: Specialized Books on Philosophy, Law, and Economics)

Nilofarsadat Abdullahi^{1*} · Efat Neghabi²

¹ Postdoctoral Researcher of Persian Language and Literature, Kharazmi University

² Associated Professor in Persian Language and Literature, Kharazmi University



10.22080/lpr.2025.28599.1075

Received:

February 08, 2025

Accepted:

March 18, 2025

Available online:

March 19, 2025

Keywords:

Education and training, Mohammad Ali Foroughi, rhetoric, philosophy in Europe, fundamental law, classical economics.

Abstract

One of the main ways to introduce new knowledge into any language is by translating works from other languages. However, introducing culture and knowledge through translation should be considered a more complex process than merely translating works. Adaptation and localization are necessary to achieve the optimal introduction of new knowledge into any culture. The greater the level of mastery of the translator and importer of new knowledge over the desired knowledge and the target language, the better the transfer result will be. Accompanying mastery over new knowledge and the source and target languages leads to more accurate compilation and optimal knowledge transfer into the target language. The higher the quality of the cultural transfer process, the more attractive the new knowledge will be to the people of society so that its impact can be seen over time and with the criterion of the permanence of knowledge among the people. Mohammad Ali Foroughi is a comprehensive figure who, in addition to political positions, is considered among contemporaries in translating modern knowledge. Among the scientific works that Foroughi translated and transmitted to the Iranian people, we can mention the eloquent works whose translation was the beginning of several modern sciences in Iran. The first of these sciences is Western philosophy, the second is classical economics, and the third is fundamental law. Foroughi introduced these sciences to Iranians for the first time by utilizing the art of translation and combining it with the writing and compilation of scientific works. The arrival of these new fields was accompanied by subtleties that guaranteed the continuation of this new field of consciousness among Iranians. In this article, considering the text of Foroughi's works and the historical and social considerations of his time, the rhetorical subtleties of the compilation and translation of these works are discussed.

*Corresponding Author: Nilofarsadat Abdullahi

Address: Postdoctoral Researcher of Persian Language and Literature, Kharazmi University

Email: nilooFar.farhan@yahoo.com

علمی

شاخصه‌های بلاغت تعلیم در کتاب‌های نوین آموزشی محمدعلی فروغی (مطالعه‌ی موردی: کتب تخصصی فلسفه، حقوق و اقتصاد)*

نیلوفر سادات عبداللّهی^۱، عفت نقابی^۲

^۱ پژوهشگر پسادکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خوارزمی
^۲ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خوارزمی

doi 10.22080/lpr.2025.28599.1075

چکیده

یکی از راه‌های عمده‌ی ورود دانش‌های جدید به هر زبان، ترجمه‌ی آثار از زبان‌های دیگر است. هرچند باید ورود فرهنگ و دانش از گذرگاه ترجمه را فرآیندی پیچیده‌تر از بازگردان صرف آثار قلمداد کرد. برای محقق کردن ورود دانشی جدید به هر فرهنگ در صورت بهینه‌ی آن، انطباق و بومی‌سازی لازم به نظر می‌رسد. هر قدر میزان تسلط مترجم و واردکننده‌ی علم جدید بر دانش مورد نظر و زبان مقصد بیشتر باشد، نتیجه‌ی انتقال بهتر خواهد بود. همراه شدن تسلط بر دانش جدید و زبان مبدأ و مقصد، موجب تدوین هر چه دقیق‌تر و انتقال بهینه‌ی دانش به زبان مقصد می‌شود. هر اندازه که فرآیند انتقال فرهنگ با کیفیت بالاتری صورت بگیرد، دانش جدید برای اهل جامعه جذاب‌تر خواهد بود. به گونه‌ای که تأثیر آن را می‌توان در طول زمان و با ملاک ماندگاری دانش در میان مردم دریافت. محمدعلی فروغی، به عنوان چهره‌ای جامع‌الاطراف، علاوه بر مناصب سیاسی، در حوزه‌ی ترجمه‌ی دانش‌های مدرن در میان معاصران مطرح می‌شود. در میان آثار علمی که فروغی ترجمه و به مردم ایران انتقال داده، می‌توان از کتبی بلیغ یاد کرد که ترجمه‌ی آن‌ها سرآغاز چند دانش مدرن در ایران بوده‌اند. نخستین این دانش‌ها، فلسفه‌ی غرب، دوم، اقتصاد کلاسیک و سوم، حقوق اساسی است. فروغی با بهره‌گیری از فن ترجمه و تلفیق آن با تألیف و تدوین آثار علمی، این دانش‌ها را برای نخستین بار به ایرانیان معرفی کرده است. ورود این رشته‌های جدید با ظرایفی همراه بوده که ضامن ادامه‌ی این دامنه‌ی جدید از آگاهی در میان ایرانیان شده است. در این مقاله با توجه به متن آثار فروغی و ملاحظات تاریخی - اجتماعی زمان او به ظرایف بلاغی تدوین و ترجمه‌ی این آثار پرداخته شده است.

تاریخ دریافت:

۲۰ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش:

۲۸ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ انتشار:

۲۹ اسفند ۱۴۰۳

کلیدواژه‌ها:

تعلیم و تربیت، محمدعلی فروغی، بلاغت، فلسفه در اروپا، حقوق اساسی، اقتصاد کلاسیک.

*این مقاله از جمله دستاوردهای علمی طرح پژوهشی پسادکتری زبان و ادبیات فارسی به حمایت بنیاد ملی نخبگان و میزبانی دانشگاه خوارزمی است.

*نویسنده مسئول: نیلوفر سادات عبداللّهی

آدرس: پژوهشگر پسادکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه

خوارزمی

ایمیل: niiloofar_farhan@yahoo.com

۱ مقدمه

فرایند دانش‌اندوزی در هر مملکت را می‌توان به دو حوزه‌ی اصلی تقسیم کرد. حوزه‌ی نخست، استفاده از دانش‌های رایج و متداول در میان مدرسان و آموزش آن دانش در هر کشور است. حوزه‌ی دوم، مرتبط با استفاده از دانش‌های جدید و بدون سابقه در کشور یا زبان است. حوزه‌ی نخست، مرتبط با پردازش بهتر دانش‌های پیشینیان و تکمیل آن‌ها از راه تحلیل نیازهای جامعه و آموزش بلیغ این مباحث است. در حوزه‌ی دوم، با پیچیدگی‌های بیشتری مواجه هستیم.

انتخاب دانش‌های جدید و کاربردی برای اهل زبان مقصد همچنین انتخاب شیوه‌های مناسب ترجمه‌ی آثار، در انتقال بهینه‌ی دانش‌ها به زبان مقصد نقش مهمی ایفا می‌کند. در هر دو حوزه‌ی آموزش (آموزش با پیشینه‌ی قبلی در کشور و آموزش علوم جدید) می‌توان از نقش محوری بلاغت در بیان مطالب آموزشی سخن گفت. بلاغت، در مرتبه‌ی نخست، مربوط به زبان و بیان دقیق مطالب می‌شود و در نگاهی جامع‌تر، اشاره به انتخاب مفاهیم مناسب و مهم برای اهل زبان و در هر دو مفهوم با جریان انتقال مفاهیم علمی، ارتباط مستقیم دارد. در دوره‌ی معاصر و در جریان انتقال حکومت از سلسله‌ی قاجار به پهلوی، با توجه به مسائل روز جامعه‌ی ایران و جهان، شیوه‌ی آموزش و انتقال مطالب علمی دستخوش تغییراتی شد. این تغییرات همراه با تحولات اجتماعی، تاریخی و رخداد‌های مهم بین‌المللی بود. در میان سردمداران این تحول آموزشی که از جریان‌های روز هم آگاه بود، محمدعلی فروغی از چهره‌های شاخص به حساب می‌آید. این شخصیت به‌واسطه‌ی مناصب سیاسی و دولتی با کشورهای خارجی ارتباط داشته، از این طریق با علوم مختلف و جدید در این کشورها آشنا شده و با اتکا بر دانش ادبی و تسلط بر زبان و ادب فارسی، شیوه‌هایی بهینه را برای گزینش و انتقال این دانش‌ها در قالب زبان فارسی به ایرانیان برگزیده است. مقصود فروغی درواقع، آموزش تخصصی بوده

که آن را از رهگذر ترجمه و تألیف توأمان دریافته و انتقال داده است. فروغی در آثار آموزشی خود با اتکا بر بلاغت، تأثیر شایانی بر روند آموزش و تدوین علوم در زندگانی دانشمندان معاصر داشته است. در این مقاله، به موضوع کارکرد روش‌ها و ظرایف بلاغی در تدوین بهینه‌ی کتاب‌های درسی تخصصی و استفاده از این فنون در راستای ماندگاری بیشتر این دانش‌ها پرداخته شده است.

۱/۱ پیشینه‌ی پژوهش:

زندگانی محمدعلی فروغی و آثار او بیشتر از دیدگاه سیاسی و تأثیرات اجتماعی او، موردبررسی قرار گرفته است. پژوهش‌های مرتبط با فروغی در حوزه‌ی ادبی عمدتاً مربوط به آثاری بوده که ذکاءالملک تصحیح و منتشر کرده است. محتوا و بلاغت این آثار که - در رأس آن‌ها کلیات سعدی قرار دارد - همگی بر فن تصحیح متن پس از فروغی اثرگذار بوده و تأثیر بسزایی بر تدوین و ترجمه‌های او گذاشته است. دانش فروغی در حوزه‌ی علوم روز دنیا و آگاهی که از ادبیات کهن و مسائل اجتماعی و سیاسی ایران داشته، موجب شده، در ارائه‌ی کتاب‌های آموزشی با نگاهی چندجانبه نگریسته و دقتی مضاعف به کار ببرد. کتاب‌های آموزشی که فروغی آن‌ها را ترجمه یا تدوین کرده، علی‌رغم اهمیت در تاریخ این دانش‌ها و ماندگاری‌شان تا امروز، کمتر مورد اعتنای پژوهشگران قرار گرفته است. این نکته درمورد کتاب‌های تخصصی کمتر مصداق دارد ولی درباره‌ی برخی کتاب‌های ادبی دبیرستان‌ها، امروزه تنها از مشارکت فروغی در تدوین آن آثار اطلاع داریم و از اینکه کدام بخش یا جلدها، قطعاً تدوین ذکاءالملک است، بی‌اطلاع هستیم.

از مهم‌ترین نقاط قوت در پژوهش‌های صورت‌گرفته مرتبط با محمدعلی فروغی، جمع‌آوری دقیق آثار او براساس اسناد باقی‌مانده است. در زمینه‌ی خاطرات، یادداشت‌ها، نامه‌ها، خطابه‌ها و سخنرانی‌های فروغی کتاب‌هایی با تکیه بر اسناد

دکارت توضیحاتی ارائه شده است. درباره‌ی کتاب سیر حکمت نیز یک مقاله به بیان دیدگاه فروغی نسبت به فلسفه پرداخته: «فروغی و تاریخ‌نگاری سیر حکمت در اروپا» (شجاعی جشوقانی: ۱۳۹۰) و مقاله‌ای دیگر با عنوان «مناسبات» (فلسفه و ترجمه‌ی فرهنگی) در ایران معاصر (مطالعه‌ی موردی: سیر حکمت در اروپا) «(شجاعی جشوقانی: ۱۳۹۸) به صورت مصداقی به شیوه‌ی ارائه‌ی مطالب جدید در سیر حکمت پرداخته و از مفهوم ترجمه‌ی فرهنگی که مشابه با مفهوم بومی‌سازی است، سخن گفته شده است. در مقاله‌ی پیش رو به این شیوه‌ی ترجمه هم در کنار نکات بلاغی انتقال مفهوم پرداخته‌ایم.

۲ بحث

۲/۱ بلاغت تدوین آثار آموزشی

تخصصی

در زمینه‌ی بلاغت تدوین آثار آموزشی اگر قائل به دو روش تألیف و ترجمه باشیم، باید از نکات متفاوتی سخن بگوییم. هریک از دو نوع تألیف یا ترجمه مشتمل بر ظرایف متعددی می‌شود. از آنجاکه کتاب‌های آموزشی تخصصی، تدوین محمدعلی فروغی در دو شاخه‌ی ترجمه و تألیف قرار می‌گیرند، با بررسی هریک از این دو نوع، نکاتی آشکار می‌شود که برخی از مهم‌ترین این موارد در هر دو شیوه‌ی ترجمه و تألیف مشترک است. در ادامه به معرفی آثار ترجمه و تألیفی فروغی در حوزه‌ی ورود و آموزش علوم جدید پرداخته و سپس به نکات مشترک بلاغی این آثار اشاره می‌کنیم. (منظور از کتاب‌های آموزشی تخصصی، کتبی مرتبط با آموزش‌های دانشگاهی و فراتر از آموزش‌های معمول جامعه است. مقصود از آموزش‌های معمول، آموزش‌هایی است که اغلب افراد جامعه در آگاهی از آن‌ها مشترک هستند و به عنوان حداقل میزان دانش مطرح می‌شود. مانند کتاب‌های دبستان و دبیرستان. هرچند محمدعلی فروغی در زمینه‌ی تدوین کتب ادبی برای

اصیل تهیه شده که می‌تواند در پژوهش‌های تحلیلی با موضوع فروغی، در شمار مهم‌ترین منابع، مورد استفاده قرار بگیرند. ازجمله‌ی این موارد می‌توان به کتب زیر اشاره کرد: فروغی در سال‌های مختلف به صورت روزانه خاطرات و یادداشت‌هایی را ثبت کرده و از رخدادهای دیدارها و فعالیت‌های علمی خود خبر داده است. این یادداشت‌ها در قالب چند جلد به چاپ رسیده است: یادداشت‌های روزانه‌ی محمدعلی فروغی از سفر کنفرانس صلح پاریس دسامبر ۱۹۱۸-اوت ۱۹۲۰ (فروغی: ۱۳۹۵) و خاطرات محمدعلی فروغی به همراه یادداشت‌های روزانه از سال‌های ۱۲۹۳ تا ۱۳۲۰ (فروغی: ۱۳۹۶) و یادداشت‌های روزانه از محمدعلی فروغی (۲۶ شوال ۱۳۲۱-۲۸ ربیع الاول ۱۳۲۲ قمری) (فروغی: ۱۳۹۷). علاوه بر یادداشت‌ها، مجموعه‌ای از نگاشته‌ها و سخنرانی‌های سیاسی فروغی در قالب کتابی دیگر گرد آمده است: سیاست‌نامه‌ی ذکاءالملک: مقاله‌ها، نامه‌ها و سخنرانی‌های سیاسی محمدعلی فروغی (فروغی: ۱۴۰۰). مجموعه‌ی نامه‌های فروغی هم در کتابی به همین عنوان، اخیراً به مخاطبان این حوزه ارائه شده است: نامه‌های محمدعلی فروغی (فروغی: ۱۴۰۱).

هرچند کتب آموزشی که فروغی در تدوین، گردآوری یا ترجمه‌ی آن‌ها دست داشته از کتاب‌های پیش‌تاز بوده و پس از تألیف منتشر شده و در اختیار مخاطبان قرار گرفته، پژوهش‌چندانی در باب اهمیت و دلیل توفیق و ماندگاری آن‌ها صورت نگرفته است. در این مقاله به شیوه‌های بلاغی فروغی در تدوین آثار آموزشی، راز ماندگاری این کتاب‌ها و تألیف آن‌ها با اعتنا به چارچوب جامعه‌ی ایران و زبان فارسی پرداخته شده است. در باب تحلیل یکی از کتاب‌های ترجمه‌ای فروغی مقاله‌ای با عنوان عوامل ادبی و اجتماعی تأثیرگذار بر بلاغت ترجمه‌های کتاب "گفتار در روش به کار بردن خرد" (مطالعه‌ی موردی: ترجمه‌های ملا لاله‌زار همدانی و محمدعلی فروغی) (عبداللهی و همکار: ۱۴۰۲) نگاشته شده است. در این مقاله درباره‌ی تأثیر عوامل غیرادبی بر ترجمه‌ی اثر

۲،۱،۲ ترجمه

در میان آثار فروغی به‌عنوان نمونه‌ی ترجمه‌ای که دانشی جدید را به زبان فارسی وارد کرده می‌توان به کتاب Economy Politic اشاره کرد که با عنوان اصول علم ثروت ملل ترجمه شده است. این اثر که نگاهی نو به دانش اقتصاد و مسائل مالی پیش روی مخاطبان قرار داد، از دانش روز دنیا اقتباس شده بود. فروغی با تدوین این اثر، ارتباط مملکت‌داری و مسائل مالی را به‌وضوح برای مخاطب تشریح کرده و درصدد آموزش این نکته‌ی مهم است که حاکمیت و اداره‌ی اموال ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر دارند.

«سال‌های حضور فروغی در مدرسه‌ی علوم سیاسی، علاوه‌بر تدریس تاریخ به آموزش علم اقتصاد و یا به تعبیر آن روزگار «ثروت» نیز می‌گذشت. فروغی، سوای فضل تقدم در نگارش کتب تاریخی برای نخستین‌بار به ترجمه‌ی کتاب «اصول علم ثروت ملل» از زبان فرانسه به فارسی پرداخت. این کتاب که از آن به‌عنوان اولین کتاب اقتصاد ایران نام‌برده می‌شود ... به‌عنوان اصلی‌ترین و مهم‌ترین کتاب اقتصاد در مدرسه‌ی علوم سیاسی توسط محمدعلی فروغی و برادرش میرزا ابوالحسن خان فروغی تدریس می‌شد» (موسوی، ۱۳۹۸: ۶۸).

۲،۱،۳ تصنیف و ترجمه‌ی توأمان

در کنار کتاب‌های تألیف و ترجمه‌شده‌ی فروغی می‌توان از کتاب دیگر او - که ترکیبی از تألیف و ترجمه است - یعنی سیر حکمت در اروپا، یاد کرد. هرچند فروغی در زمینه‌ی فلسفه، کتاب‌های دیگری همچون ضیافت از افلاطون را هم ترجمه کرده ولی با نگارش سیر حکمت، دانش فلسفه را به‌منزله‌ی دانشی نوین به ایرانیان معرفی می‌کند. در این کتاب از دوره‌های آغازین فلسفه در میان اروپاییان سخن به میان می‌آید و شرح تاریخ فلسفه ادامه می‌یابد تا به عصر نگارنده می‌رسد. این اثر کتابچه‌ای ترجمه‌ای را به‌عنوان ضمیمه دارد. این کتابچه پیش‌تر از فروغی هم ترجمه شده بود اما این‌بار ترجمه‌ای فصیح از آن ارائه می‌شود. این ترجمه به قدری روان و بر

دبیرستان‌ها نیز فعالیت داشته ولی در این مقاله به سبب درنظر داشتن ظرایف پذیرش علوم تازه در جامعه، چگونگی جذب و انتقال آن‌ها به ایرانیان، به کتاب‌های آموزشی تخصصی تدوین‌شده‌ی او خواهیم پرداخت.

۲،۱،۱ تألیف

تألیف کتاب‌های آموزشی تخصصی به‌ویژه درمورد دانش‌های تازه‌وارد را می‌توان پیچیده‌تر از ترجمه‌ی آثار دیگران دانست. در ترجمه، آشنایی با جزئیات زبان مبدأ و مقصد، همچنین مسائل فرهنگی و اجتماعی دو حوزه‌ی فرهنگی اهمیت دارد. در مقابل، تدوین و تألیف کتاب‌های آموزش تخصصی ظرایف بیشتری را شامل می‌شود. در تألیف و نگارش کتابی جدید، برای انتقال دانش و یا گردآوری مطالب با هدف ارائه به جویندگان دانش، باید نکات متعددی را در ذهن داشت و از این نکات برای نگارش کتاب در حوزه‌ای بهره برد که پیش‌از اثر موردنظر، سابقه‌ی تألیفاتی در آن زبان وجود نداشته است. نمونه‌ی کتاب تألیفی فروغی برای آموزش، کتاب حقوق اساسی یعنی آداب مشروطیت دول، اولین کتاب حقوق اساسی در ایران، است. این کتاب، دانش حقوق در ایران را متحول و متخصصان این شاخه از دانش را با نگاه جدیدی به این حوزه‌ی دانشی آشنا کرد. مفهوم حقوق اساسی که پیوندی میان مردم و حاکمیت است، پیش‌از این در مباحث حقوقی ایران مطرح نبود.

«اثر ارزشمند دیگری در همین دوران-مقارن با وقوع انقلاب مشروطه و افتتاح مجلس شورای ملی - به‌عنوان نخستین کتاب حقوق اساسی ایران با نام آداب مشروطیت دول توسط فروغی نگارش یافت. انتشار این اثر از ذهن جستجوگر فروغی به‌عنوان چهره‌ای فرهنگی - سیاسی حکایت داشت و به‌نوعی فرایند نقش طبقه‌ی روشن‌فکر را در ایجاد دگردیسی‌های اجتماعی سده‌ی جدید منعکس می‌ساخت» (موسوی، ۱۳۹۸: ۶۹).

خردورزی و افراد انسانی است. ازجمله دلایل موردتوجه قرارگرفتن اثر فروغی، می‌توان به بیان روان، وفاداری به اثر اصلی، سنجش سطح مخاطب و انتشار سنجیده‌ی آن به همراه کتاب سیر حکمت اشاره کرد.

درباره‌ی کتاب سیر حکمت در اروپا به‌سبب وارد کردن دانشی از دیدگاه جدید به ایران می‌توان از مفهوم ترجمه‌ی فرهنگی یاد کرد و کار فروغی را مصداقی برای آن به شمار آورد:

«ترجمه‌ی فرهنگی، ترجمه‌ای است که پیام متن و فرهنگ مبدأ را با فرهنگ مقصد سازگار می‌کند. چنین ترجمه‌ای غالباً افزایش و کاهش به‌همراه دارد و ترجمه‌ای وفادارانه نیست. در ترجمه‌ی فرهنگی، مترجم برای انتقال مفاهیم و حتی تجارب فکری فراتر از معنای مفردات، به بافت و زمینه‌ی فرهنگی (Context) مبدأ و ظرائف و اقتضائات مختصات فرهنگ مقصد توجه جدی می‌کند» (شجاعی جشقانی، ۱۳۹۸: ۷۱).

این مفهوم که می‌تواند هم‌راستا با مفاهیمی همچون بلاغت در تعلیم و بومی‌سازی مفاهیم آموزشی قرار بگیرد، بیش‌از آثار قبلی فروغی درباره‌ی حقوق و اقتصاد در قالب سیر حکمت نمایان می‌شود. در سیر حکمت شاهد ترجمه‌ی کتابی اروپایی و تصنیفی درخور مخاطبان ایرانی هستیم. به گونه‌ای که:

«ترجمه‌ی مطالب فلسفی در سیر حکمت فروغی در سطح بسیار بالایی است و در نحوه‌ی برگرداندن اصطلاحات و مطالب مشکل و پیچیده‌ی زبان فرانسه، مؤلف سیر حکمت، نهایت استادی را به خرج داده است» (مجتهدی، ۱۳۸۸: ۳۳۰).

۲،۲ مراحل تدوین کتاب سیر حکمت در اروپا

ترجمه‌ی کتاب گفتار در روش به کار بردن خرد از رنه دکارت

مخاطبان اثرگذار بوده که تا امروز این اثر با ترجمه‌ی فروغی مورد ارجاع است و آن را با نامی می‌شناسند که ذکاءالملک در ترجمه‌ی خود برای آن برگزیده است. محتوای کتابچه‌ی یادشده، کتاب گفتار در روش به کاربردن خرد / به راه بردن عقل از رنه دکارت است. ترجمه‌ی فروغی از این اثر، یادگیری فلسفه در میان ایرانیان را با تحولی بنیادین همراه ساخت. هرچند فروغی نخستین مترجم کتاب دکارت به زبان فارسی نبوده و مترجمانی پیش‌از او در دوره‌های قبل همچون عهد ناصری این اثر را به فارسی برگرداندند، ترجمه‌ی فصیحی که فروغی ارائه داده، فارسی‌زبانان را با این اثر آشنا کرد و به‌عنوان ترجمه‌ی ماندگار اثر دکارت باقی ماند. ازجمله نکات مهم در ترجمه‌ی فروغی، امانتداری در ترجمه است. فروغی برخلاف مترجمان عهد ناصری، نگاه غالب آن دوره را به ترجمه‌ی اثر وارد نکرده و به اصل اندیشه و نگاشته‌های دکارت وفادار بوده:

«ملالاله‌زار با ذهنیت شاه‌محور در عهد قاجار و با نگرشی ایرانی، اثر را ترجمه کرده و آن‌چنان‌که شایسته بوده، قادر به برقراری ارتباط میان محتوای کتاب دکارت و مخاطب نشده است. درحالی‌که فروغی با درک صحیح اندیشه‌ی مدرن و متفاوت دکارت، ترجمه را با بلاغت گره می‌زند. اثر عهد ناصری با نگاه به خداوند و پادشاه به‌عنوان سایه‌ی او نگاشته و تمام بخش‌های کتاب برای تقدیم به او تدوین شده است. حال آنکه، اثر فروغی اندیشه‌ای جدید به حوزه‌های مختلف زندگانی مردم جامعه (اعم از کیفیت پادشاهی، ارتباط با خدا و زندگی روزمره) وارد می‌کند» (عبداللهی و همکار، ۱۴۰۲: ۱۶۱).

کتاب سیر حکمت در اروپا، ایرانیان را با تاریخ این دانش از نگاه اروپائیان آشنا و تحولات این شاخه از دانایی نزد ایشان را تشریح کرد. این اثر هرچند به کتاب‌های تاریخ ادبیات شبیه است، پیشرفت و شکوفایی را در سنت فلسفی اروپایی به‌خوبی نمایان می‌کند. ترجمه‌ای که فروغی از کتاب دکارت در کنار سیر حکمت منتشر می‌کند، اندیشه‌ای تازه را به جامعه‌ی ایران ارائه می‌دهد و آن اهمیت خرد و

نکاتی که می‌توان آن‌ها را از عناصر بلاغی ترجمه و تألیفات علمی فروغی شمرد، به چند دسته‌ی اصلی تقسیم می‌شوند:

۲،۳،۱ نیازسنجی در وارد کردن دانش جدید به ایران

ورود دانش به هر زبان و فرهنگ، کاری دوسویه به شمار می‌رود. ازسویی، آگاهی از جزئیات دانش موردنظر و زبان مبدأ و ازسویی دیگر، آشنایی با مختصات فرهنگی - اجتماعی و زبان مقصد موردنیاز است. گام نخستین در کار ترجمه و تدوین علوم جدید به زبانی دیگر، انتخاب دانشی است که برای جامعه مفید و مورد استفاده باشد. سنجش این نکته در مرتبه‌ی نخست، به آگاهی از وضع جامعه‌ی دریافت‌کننده‌ی علم جدید مربوط می‌شود و در مرحله‌ی بعد به اطلاع از شرایط جامعه‌ی جهانی بستگی دارد. در دوره‌ی معاصر، فروغی به سبب تسلط بر اوضاع روز دنیا و دانش‌هایی که در ممالک دیگر هر روز در حال پیشرفت بودند، تصمیم به انتخاب برخی دانش‌ها و وارد کردن آن‌ها به ایران گرفت. در زندگانی فروغی، بر عهده داشتن مقامات دولتی، مراودات با هم‌تایان خود از کشورهای دیگر و رفت‌وآمدهای برون‌مرزی، زمینه‌ساز این اندیشه در این شخصیت شد که ایرانیان به آگاه شدن از برخی دانش‌های جدید نیاز دارند. فروغی این دانش‌ها را با توجه به مسائل روز دنیا، نیازهای جامعه‌ی ایرانی در حفظ جایگاهش در جامعه‌ی جهانی و لزوم ارائه‌ی نگاهی بروز به ایرانیان در زمینه‌ی برخی علوم، برگزیده است. در ابتدای هریک از کتاب‌ها، اهمیت این دانش نو را برای مردم بیان می‌کند. درمورد علم اقتصاد این‌گونه می‌گوید:

«این علم از اصول و مبانی سیاست مدن می‌باشد و هرکس داخل در امور سیاسی یعنی مملکت‌داری است، ناچار باید دارای این دانش باشد. تکمیل ثروت ملل در ممالک فرنگ از کارهای بزرگیست که در همین اواخر، شده و فی‌الحقیقه می‌توان گفت از علوم مستحدثه‌ای است که تازه مدون گشته و مبنی

احساس نیاز به نگارش کتابی (که فروغی با عنوان مقدمه از آن یاد می‌کند) که معارف این اثر جدید را برای مردم قابل‌درک کند.

موردپسند خاطر دانش‌طلبان واقع شدن و درخواست ادامه‌ی آن برای نمایش سیر حکمت از دکارت تا دوران معاصر

اصلاحات در تصنیف یکم (تبدیل به جلد اول سیر حکمت و افزودن ترجمه‌ی دکارت (انتشار اثر با عنوان سیر حکمت در اروپا از زمان باستان تا مائه‌ی هفدهم، مذیل به ترجمه‌ی گفتار دکارت)

وعده‌ی نشر جلد دوم این اثر در دیپاچه (برای آگاهی از سراسر تاریخ فلسفه‌ی اروپا)

نشر جلد دوم سیر حکمت، از آغاز سده‌ی هفدهم میلادی تا پایان سده‌ی هجدهم، در سال ۱۳۱۸

نشر جلد سوم سیر حکمت، از آغاز سده‌ی نوزدهم میلادی تا زمان حاضر، در سال ۱۳۲۰

از آنجاکه تدوین و نشر کتاب سیر حکمت تا سال‌های پایانی حیات فروغی (یک سال پیش از درگذشت او) ادامه داشته، نسبت به دیگر کتاب‌های آموزشی او از پختگی بیشتری برخوردار بوده و به سبب چندین مرحله انتشار، بازنگری و تکمیل، بروزتر و با دقت بالاتری تدوین شده است.

۲،۳ شروط بلاغت آثار آموزشی

آثاری که با هدف آموزش نگاشته و به مخاطبان ارائه می‌شوند، برای ماندگاری و جذب مخاطب باید دارای ویژگی‌ها و برتری‌هایی نسبت به دیگر آثار باشند. از آنجاکه این‌گونه ویژگی‌ها چندجانبه هستند و تنها منحصر به مقولات ادبی و زبانی نمی‌شوند، می‌توان آن‌ها را ذیل عنوان عام بلاغت گرد آورد. در نظر داشتن و رعایت مجموعه‌ی این نکات موجب می‌شود اثر علمی، برای مخاطبان اثری جذاب و در طول تاریخ، ماندگار شود. فروغی در تدوین آثار آموزشی خود به این‌گونه نکات توجه داشته است. مهم‌ترین

هرچند فروغی در کتاب‌های ترجمه‌ای و تألیفی خود، سعی در پوشش دادن مفاهیم مهم و ذکر جزئیات دانش موردنظر دارد، مواردی را که برای جامعه‌ی ایران پذیرفتنی‌تر و با ساختار شخصیتی و زندگانی ایرانیان همخوان‌تر بوده بیش از سایر مفاهیم پرورانده است. این نکته موجب شده اثر او جذاب و ماندگار شود و پذیرش آن در جامعه به‌خوبی صورت بگیرد. در نمونه‌ی زیر، صنعت با کمک گرفتن از واژه‌های قابل درک و کاربردی روزگار مترجم، تشریح شده است.

«صنعت به معنی عام عبارت است از اعمالی که مستقیماً مولد ثروت باشد. چنان‌که سابق هم گفتیم، اعمالی که مستقیماً تولید ثروت می‌کند، آن را اعمال صنعتی می‌نامند. ولی صنعت معنی خاص هم دارد، یعنی رشته‌ها و انواع مختلف آن را صنعت می‌گویند. علاوه‌بر این صنعت را گاهی اوقات به معنی آن اعمال مولد ثروت می‌گیرند که غیر از زراعت باشد. پس کلمه‌ی صنعت هرگاه دیده می‌شود، باید از قرینه‌ی کلام فهمید که مقصود کدام یک از این معانی ثلاثه است» (فروغی، ۱۴۰۱ الف: ۸۵).

در کتاب حقوق اساسی ذیل سرفصل سلطنت ملی این‌طور می‌نویسد:

«سابق بر این مردم تصور می‌کردند که یک نفر یا یک جماعت باید صاحب اختیار مطلق عموم ناس باشد و امور ایشان را هرطور می‌خواهد و مصلحت می‌داند، اداره کند و مردم حق ندارند در اداره‌ی امور خودشان مداخله و چون‌وچرا نمایند؛ حتی در بعضی ممالک، سلاطین مدعی بودند که من جانب الله هستم و به این واسطه امر ایشان الهی و واجب‌الإطاعة می‌باشد. رعایا هم همین اعتقاد را داشته‌اند، اما حالا متجاوز از صدسال است که حکما و دانشمندان، بلکه اکثر عوام از این رأی برگشته و معتقد شده‌اند که هیچ‌وقت یک نفر یا یک جماعت، حق ندارد، صاحب اختیار یک قوم و یک ملت بشود و صاحب اختیار ملت باید خود ملت باشد و امور خویش را اداره کند؛ به عباره آخری سلطنت متعلق به ملت است و بس» (فروغی، ۱۳۸۳: ۳۸).

بر بنا و اساسی محکم و قواعدی عقلی و حسی می‌باشد» (فروغی، ۱۴۰۱ الف: ۱).

همچنین علم حقوق را با اصطلاحات آشنا در ذهن مخاطب تعریف می‌کند:

«علم حقوق که در معنی، دانش سیاست مدن باشد، الزم و اهمّ علوم و فنون است؛ زیرا که بدون دانستن این علم و فن، احدی به‌درستی از عهده‌ی رتق‌وافتق امور مملکت برنیاید و پیشرفتی چنان‌که باید و شاید ننماید و چون کار ملک و ملت مختل ماند، کار دنیا بی‌سامان خواهد بود و اختلال کار این جهان، البته اسباب اغتشاش کار جهان دیگر خواهد شد» (فروغی، ۱۳۸۳: ۲۲).

نگاه نو فروغی در کتاب سیر حکمت او نسبت به کتاب‌های فلسفی که پیش از او نگاشته شده، کاملاً شاخص است. ایرانیان پیش از این با دانش فلسفه (خواه به‌عنوان میراث یونان و خواه در دوره‌ی اسلامی و به‌عنوان نگاه اسلامی به فلسفه) آشنا بودند. فروغی در این اثر باتوجه‌به بلاغت، فلسفه‌ی اروپایی را با تحولات آن بیان کرده است. این اثر با وجود محتوایی تاریخ‌گونه و درعین‌حال تحلیلی برای مخاطب ملال‌آور نیست.

«می‌توانیم سرفراز باشیم که در تصنیف این کتاب دو خدمت انجام داده‌ایم: یکی اینکه دانش‌اندوزان را اجمالاً به افکار حکمای باختر آشنا کرده‌ایم، دیگر اینکه مفتاح و روش نگارش فلسفه‌ی جدید را به زبان فارسی امروزی به دست داده‌ایم» (فروغی، ۱۴۰۰ ب: ۳۶۵).

۲،۳،۲ به‌گزینی معنایی / ذکر مسائل قابل درک و کاربردی

هرچند در ترجمه و انتقال مطالب، وفاداری به اثر و دانش نو، بایسته است، برجسته‌کردن وجوه کاربردی‌تر، اهمیت فراوانی دارد. مقصود از گزینش معانی بهتر، برگزیدن نکاتی از کتاب است که کاربرد و فایده‌ی بیشتری برای مخاطبان داشته باشد.

به ظرایف دانش‌های فقهی هستند. از این‌روی شیوه‌ی پروراندن مطلب و زبان و بیان در این کتاب، در نگاه نخست قدری پیچیده به نظر می‌رسد ولی برای مخاطبان خاص آن کاملاً قابل درک است. به‌گونه‌ای که با انتشار آن، این شاخه از حقوق مورد توجه عالمان این حوزه قرار گرفت و کتاب‌های بعد با الگو قرار دادن کتاب فروغی نگاشته شد. دانش اقتصاد جدید برای ایرانیان چندان آشنا نیست، به همین سبب فروغی از توضیحات آسان‌تر و ابتدایی‌تر بهره می‌گیرد:

«تعریف ثروت: در اصطلاح ما ثروت چیزی را می‌گویند که مادی باشد و برای انسان فایده از آن حاصل شود و مردم آن را تملک نموده باشند. هرچیزی که این سه خاصیت را دارا باشد، ثروت است» (فروغی، ۱۴۰۱ الف: ۲۵).

«تعریف و چگونگی کار: کار عبارتست از بروز فعالیت انسان و بنابراین لازمه‌ی آن اینست که کوششی از انسان سر بزند. اما هر کوششی هم کار نیست و دو شرط در فعل لازم است تا بتوان آن را کار نامید. اولاً باید کوششی که از انسان صادر می‌شود، از روی اراده باشد و اعمال و حرکات بلااراده‌ی طبیعی را کار نمی‌توان خواند... ثانیاً کوششی که انسان می‌کند غرضش تمتع از همان عمل در حین فعل نباشد و نتیجه‌ی دیگر در نظر داشته باشد. راست است که انسان هر عملی بکند، برای رسیدن به مقصودی باشد، لکن اگر مقصود از فعلی التذاذ فوری از همان فعل باشد در این صورت نمی‌گویند شخص کار می‌کند» (فروغی، ۱۴۰۱ الف: ۴۸).

اهمیت و لزوم یادگیری حقوق در صورت مدرن را هم این‌گونه بیان می‌کند:

«حقوق از اصطلاحاتی است که در زمان ما تازه است و شاید بتوان گفت که تقریباً از همان زمان که مدرسه‌ی علوم سیاسی تأسیس شد، این اصطلاح هم رایج گردید و آن به تقلید و اقتباس از فرانسویان درست شده است... حاصل اینکه حقوق که

در مقدمه‌ی جلد سوم سیر حکمت درباره‌ی لزوم آغاز آموزش از مفاهیم ساده‌تر، چنین می‌گوید:

«از سهو و خطا گذشته، ممکن است بر ما خرده بگیرند که در بیان مسائل، پُر به اختصار گذرانیده‌ایم. عذر ما در این ایراد وارد، این است که غرض ما آن نبود که دانش‌پژوهان ما از این کتاب، حکمت اروپا را به درجه‌ی کمال بیاموزند؛ بلکه می‌خواستیم از دور منظره‌ای به ایشان بنماییم تا بدانند که دانشمندان مغرب زمین در چه خطوط سیر کرده‌اند و بازار تحقیقات فلسفی در آن کشورها چه اندازه گرم بوده است...» (فروغی، ۱۴۰۰ ب: ۳۶۵).

در همین کتاب در ترجمه‌ی بخشی از ابتدای فلسفه‌ی اسپینوزا با گزینش معانی محوری و ساده‌تر این اندیشه، این‌گونه می‌نویسد:

«من جویای خیر حقیقی و خوشی دائمی گردیدم و دیدم خوشی و ناخوشی بسته به این است که شخص به چه چیز دل ببندد. اگر دلبستگی او به چیزهای ناپایدار باشد، چون از دستش بروند و دیگری را از آن‌ها برخوردار ببیند، بیم و اندوه و رشک و کین به او دست می‌دهد و این همه فسادها و دشمنی‌ها و بدبختی‌ها از همین جهت است...» (فروغی، ۱۴۰۰ ب: ۱۸۶).

۲،۳،۳ گزینش زبان روان

از نکات مهم و محوری دیگر که وجهه‌ی ادبی آن پررنگ‌تر است، می‌توان به برگزیدن زبانی روان و زودیاب اشاره کرد. البته باید این زبان روان و قابل درک را به نسبت موضوع علم و مخاطب اثر تحلیل کرد. زبانی که فروغی در ترجمه‌ی کتاب علم ثروت ملل از آن بهره گرفته همه‌فهم است ولی زبان تدوین کتاب حقوق اساسی او برای مردم عادی جامعه دشوار به -شمار می‌رود. هدف فروغی از ترجمه‌ی کتاب اقتصاد، آموزش اهمیت مسائل مالی و نقش دولت‌ها در اقتصاد کشورها به قشر عام‌تری بوده، از این روی زبانی ساده‌تر دارد. حال آنکه مخاطب کتاب حقوق اساسی عمدتاً حقوق‌دانان جامعه و افراد آگاه

فارسی‌نویسی خوب نهاد...» (فروغی، ۱۴۰۰، مقدمه: ۱۰۸).

فروغی هم در مقدمه‌ای که بر جلد دوم این کتاب می‌نگارد، کوشش اصلی خود را در راستای بیان ساده‌ی مفاهیم می‌شمارد:

«کوشش نگارنده همواره این بوده است که از بحث در جزئیات و فروغ دوری جسته، اصول تحقیقات فلسفی اروپائیان را به بیانی ساده و لیکن به زبان فارسی حقیقی به نگارش درآورم. مقصودم از زبان فارسی حقیقی، زبانی است که ایرانیان بدان گفت و شنید یا نوشت و خواند می‌کنند که اذهانشان به سبب معاشرت با خارجیان مشوب نگردیده و در نویسندگی از زبان پدران ما منحرف نشده‌اند» (فروغی، ۱۴۰۰، اب: ۱۵۷).

۲،۳،۴ پیوند با فرهنگ و پیشینه‌ی فرهنگی

فروغی در تدوین کتاب‌های علمی جدید، علاوه بر در نظر داشتن جوّ جامعه‌ی ایرانی و نیازهایی که اهل آن در رویارویی جامعه‌ی جهانی دارند، پیشینه‌ی ذهنی، زبانی و فرهنگی ایشان را هم در نظر داشته است. هرچند علومی که فروغی در قالب کتاب‌ها به ایران وارد کرده، علومی تازه و بی‌سابقه بودند، فرهنگ ایران رگه‌هایی از صورت‌های نخستین این دانش‌ها را شامل می‌شده یا نگاهی متفاوت درمورد این شاخه‌ها از علم در ایران وجود داشته است. برای نمونه دانش اقتصاد در صورت‌های ابتدایی‌تر و ذیل تدبیر معاش در زبان فارسی مطرح بوده ولی فروغی نگاهی نو را در قالب کتاب علم ثروت ملل ارائه می‌دهد. در ارائه‌ی این دانش از رنگ و بوی فرهنگ ایرانی و اسلامی بهره می‌برد، شرح مثال‌هایی که بیان می‌کند با تدابیر اقتصادی ایرانیان و مسلمانان هم‌خوانی و مشابهت دارد.

«کتابی که به نظر مطالعه‌کنندگان می‌رسد، رساله‌ای است برای درس و تدریس علم ثروت ملل یعنی معرفت قوانین و کیفیات ازدیاد ثروت مملکت و سایر امور راجعه‌ی به آن... شاید در ممالک ما،

می‌گوییم مقصود قوانین کشور است و علم حقوق، علم به قوانین و دانش‌کده‌ی حقوق مدرسه‌ای است که در آنجا قوانین تدریس می‌شود» (فروغی، ۱۳۱۵: ۷۲۰).

در باب سیر حکمت در اروپا نثر روان و دلنشین بیش از دو اثر پیش‌گفته جلب‌توجه می‌کند. به سبب ارتباط نزدیک‌تر و ملموس‌تر دانش‌های حقوق و اقتصاد با زندگی مردم، طبیعتاً نسبت به دانش فلسفه اقبال بیشتری به این موضوعات نشان داده می‌شد. ولی نثری که فروغی برای بیان این مفاهیم حکمت آمیز برگزیده بود، موجب شد این اثر نه تنها مورد استقبال مردم قرار بگیرد، بلکه تا امروز هم به عنوان یکی از مهم‌ترین آثار تاریخ فلسفه و شرح مفاهیم حکمت‌محور مطرح شود. علاوه بر این، کتاب‌های فروغی درباره‌ی حقوق و اقتصاد، محدود به زمانه‌ی خودش بودند و در زمره‌ی نخستین کتاب‌ها جایگاه مرجعیت داشتند. حال آنکه کتاب سیر حکمت در اروپا و بخش ترجمه‌ی اثر دکارت، تا روزگار ما مورد استفاده‌ی علاقه‌مندان به دانش فلسفه و از مراجع پژوهشگران این حوزه است. این کثرت ارجاع و محبوبیت را بیش از هر امری می‌توان وابسته به دقت فروغی در گزینش نثری بهینه و بسامان دانست. به گونه‌ای که جاذبه‌ی اصلی را در مخاطب ایجاد می‌کند:

«کتاب سیر حکمت در اروپا نخستین بیان دستگامند (=سیستماتیک) و بسامان از فلسفه‌ی غرب در ایران است و با آنکه پس از نشر این تصنیف، آثار پرشماری در زمینه‌ی فلسفه‌ی غرب به زبان فارسی نوشته یا ترجمه شده، سیر حکمت همواره مقام ارجمندی را نگه داشته است. این ارجمندی برخاسته از دو علت است: نخست آنکه نویسنده‌ی آن، فروغی، بهره‌ای ژرف و پرمایه از ادب و فرهنگ فارسی داشت و نثری که از قلم او تراویده، متنی استوار و سلیس و زیبا است. نثر فروغی را می‌توان از بهر خودش و بدون پروا کردن از اندیشه‌های فلسفی‌اش خواند و آن را در زمره‌ی الگوهای

و لطائف افکار خارجی‌ان مستلزم آن نیست که شیوه‌ی زبان و بیان خود را از دست بدهیم و پسندیده‌تر آن است که فکر اروپائی را به زبان و بیان اختصاصی ایرانی درآوریم. این‌جانب چه در نگارش و چه در ترجمه، همه وقت کوشیده‌ام که این نتیجه را حاصل کنم» (فروغی، ۱۴۰۰: ۱۵۸).

۲،۳،۵ گزینش مثال‌های آشنا برای درک بهتر

انتخاب مثال‌های قابل‌درک و آشنا برای ذهن مخاطب از مهم‌ترین شیوه‌های تفهیم مطلب و آموزش نکات جدید به مخاطب به شمار می‌رود. انتخاب مثال‌های مناسب می‌تواند مرتبط با نکات اجتماعی تاریخی و زبان و ادبیات مقصد باشد. مثال‌های آشنا، پیوند انکارناشدنی با میزان آگاهی و نمونه‌های موجود در ذهن مخاطب دارد. انتخاب کردن مثال‌های آشنا به ذهن مخاطب را می‌توان نقطه‌ی اوج آگاهی و پیوند مترجم یا تدوین‌کننده‌ی کتاب جدید برای آموزش به شمار آورد. انتخاب مثال درخور و آشنا برای مخاطب، برخاسته از آشنایی نگارنده کتاب با ذهنیات مخاطب، تاریخچه‌ی زندگی و اجتماع اوست. انتخاب مثال به‌منزله‌ی گام نخست بوده و شرح و بیان وجوه شباهت میان دو موضوع مکملی برای این موضوع به شمار می‌رود. همان‌گونه که گزینش مثال برای کتاب‌های تألیفی اهمیت دارد، انتخاب روش صحیح توضیح و شرح در کتاب‌های ترجمه‌ای نیز حائز اهمیت است. گاه مترجمان توضیح و شرح خود را در میان متن می‌افزایند و گاه از افزوده‌ها و و پاورقی‌ها بهره می‌برند. فارغ از انتخاب شیوه‌ی مناسب برای ارائه‌ی توضیحات، شرح بیشتر مطالبی که در توضیح بیان می‌شود، اهمیت فراوان دارد. شرح بهینه می‌تواند مطلب را برای خواننده‌ی اثر، گویا و واضح بسازد.

در کتاب اصول علم ثروت ملل، استفاده از بیان ساده و مثال‌های گویا، مطلب را بسیار آسان کرده است:

رسائل و اوراقی که از سیاست مدن گفتگو می‌نماید، دارای بعضی مطالب متعلقه‌ی به علم ثروت باشد، اما مسلماً به آن تفصیل و اتقان و نظم و ترتیب صحیح که حالا در مغرب زمین معمول است، نبوده و با آنکه در این عصر و زمان، بعضی از علوم جدید را به زبان فارسی ترجمه نموده، دانشمندان ما به این علم نپرداخته‌اند» (فروغی، ۱۴۰۱ الف: ۱).

علم حقوق در میان ایرانیان، پیش‌از ترجمه‌ی کتاب فروغی بیشتر وجهه‌ی فقهی داشت. کتاب فروغی، حقوق در ایران را با برداشت‌های جدید و جهانی همراه کرد. در این کتاب مسئله‌ی مسئولیت‌های دولت در قبال ملت و شأن و جایگاه مردم موضوع بحث است. این نکته از عنوان توضیحی کتاب مشخص است. مؤلف کتاب را حقوق اساسی یعنی آداب مشروطیت دُول نامیده تا در قالب عبارتی آشنا به ذهن مخاطب، منظور خود و محتوای کتاب را به اختصار شرح دهد. ازسویی با عنوانِ اخطار در آغاز کتاب از وجهه‌ی آموزشی کتاب و هدف تألیف آن یاد می‌کند:

«برای آنکه خاطر مطالعه‌کنندگان را از حقیقت امر درست مستحضر و مسبوق سازیم، گوئیم ما در نگارش این کتاب مقید بوده‌ایم که مسلک و رسم و راه تعلیم و تعلّم را از دست ندهیم و طوری به‌ترتیب این رساله پردازیم که منافای با درس و تدریس مدرسه نباشد؛ لهذا مطلب را در همه‌جا با نهایت اختصار و ایجاز بیان نموده‌ایم و شرح و بسط را به عهده‌ی معلم موکول داشته‌ایم» (فروغی، ۱۳۸۳: ۲۸).

ایجاد پیوند فرهنگی بهینه میان دانش جدید و ذهنیت مخاطبان، مستلزم آگاهی از هردو سویی فرهنگی و تسلط کامل به زبان مبدأ و مقصد است. فروغی در زمینه‌ی ترجمه‌ی دقیق و انتقال فرهنگ در کتاب سیر حکمت، دقت فراوانی به خرج داده است:

«من تقریباً تمام عمر خویش را به انواع مختلف به شناساندن احوال و افکار و اقوال اروپائیان گذرانده‌ام و نگارش همین کتاب خود یکی از نشانی‌های آن است. ولیکن آگاهی و اقتباس از افکار

روح است که بر جسم می‌افتد. پرتو عقل است که بر نفس می‌تابد، چنان‌که زیبایی نور به سبب دوری از جسمانیت است که نسبت به جسم، به‌منزله‌ی روح می‌باشد» (فروغی، ۱۴۰۰: ۷۰).

۲،۴ دو ویژگی منحصر به کتاب سیر حکمت:

۲،۴،۱ نگاه تاریخچه‌ای همراه با توصیف

از آنجاکه کتاب سیر حکمت در اروپا تصنیفی همراه با اثری ترجمه‌ای است، جامع‌تر از آثار فروغی درباره‌ی حقوق و اقتصاد به شمار می‌رود. در زمینه‌ی مفهوم این اثر، همان‌طور که در عنوان هم ذکر می‌شود، سیر تحولی و پیشرفت دانش فلسفه یا به بیان نزدیک‌تر به دوران، حکمت، را بیان می‌کند. پس اثری تاریخچه‌ای است و در عین بیان تحولات این دانش به‌گونه‌ای بسیار صمیمانه و دل‌انگیز از شخصیت‌ها و اندیشه‌های آن‌ها سخن می‌گوید. این ویژگی موجب شده این اثر تاریخی - فلسفی همانند اثری داستانی و جذاب برای مخاطب، خواندنی باشد.

«تقریباً همه‌ی اصحاب فلسفه در ایران، کتاب سیر حکمت را بارها خوانده‌اند و به آن مراجعه کرده‌اند. نثر دلاویز نویسنده همه را به خود می‌کشد. فروغی از بیشتر فیلسوفان و در آن میان، از عده‌ای خاص‌تر چون افلاطون و دکارت و اسپینوزا و کانت و برگسن، به‌گونه‌ای سخن می‌گوید که پنداری رفیق شفیق ایشان است و هم‌نفس و همدلشان. گاه در ضمن بیان آرای اندیشه‌گران حال وجد به وی دست می‌دهد» (فروغی، ۱۴۰۰: مقدمه: یازده).

این صمیمیت و رفاقت‌ها در شیوه‌ی وصف فروغی از شخصیت‌های مختلف نمود پیدا می‌کند. نمونه‌ی بارز آن زمانی است که درباره‌ی روحیات افلاطون سخن می‌گوید. اوصاف رفتاری و منش این فیلسوف به قدری دقیق بیان شده که گویی خواننده افلاطون را پیش چشم دارد:

«معنی تولید ثروت: حال به‌سهولت می‌توان فهمید که معنی تولید ثروت چیست. انسان هر وقت چیزی مفیدی را تملک نماید، تولید ثروت می‌کند یا چیزی را که در تملک او هست، مقید کند یا اگر مقید باشد، بر فایده‌ی آن بیفزاید. مثلاً ذغال‌سنگ را از معدن استخراج کند یا آهن معدنی را به‌کار انداخته از آن آلات و افزار بسازد. یا آرد را نان بپزد. در هر یک از این اعمال تولید ثروت نموده‌است» (فروغی، ۱۴۰۱: الف: ۲۸).

«اکثر اقوام و ملل، چهار مقام در عالم تمدن سیر نموده‌اند، ابتدا انسان حال صیادی داشته و حوائج خود را فقط از حیوانات یا ماهی‌هایی که صید می‌نموده، رفع کرده است. بعد کم‌کم به خیال افتاده که حیوانات را اهلی کند و گله‌ها ترتیب دهد و این هنگام، دوره‌ی چوپانی و گله‌داری انسانست. پس از آن راه کشت و زرع زمین را درک می‌کند و در یک نقطه‌ی ساکن و متوقف می‌شود و به انتفاع از خاک اشتغال می‌جوید و به مقام فلاحت می‌رسد. عاقبت اختراع آلات و افزار می‌کند و کارخانه ترتیب می‌دهد و به مرتبه‌ی صناعت می‌رسد» (فروغی، ۱۴۰۱: الف: ۴۲).

در جلد نخست سیر حکمت در اروپا، نمونه‌های تمثیلی و توصیفی برای توصیف فلسفه‌ی فلاسفه‌ی یونان همچون سقراط و افلاطونیان، گزینش و بیان می‌شود:

«قسمت دوم تعلیمات سقراط را "مامایی" نامیده‌اند زیرا که او می‌گفت: دانشی ندارم و تعلیم نمی‌کنم. من مانند مادرم فن مامایی دارم. او کودکان را در زادن مدد می‌کرد؛ من نفوس را یاری می‌کنم که زاده شوند. یعنی به خود آیند و راه کسب و معرفت را بیابند» (فروغی، ۱۴۰۰: اب: ۱۹).

«هنر، طلب حقیقت و جمال است، یعنی جست‌وجوی راستی و زیبایی که هر دو یکی است. زیرا آنچه راست است، زیبا است و هیچ زیبایی جز راست نتواند بود. زیبایی همان صورت است که ماده را در قدرت خود درمی‌آورد و وحدت می‌دهد. تابش

باشند، چندان بهره نمی‌دهد» (فروغی، ۱۴۰۰، مقدمه: ده).

تصمیم هوشمندانه‌ی فروغی، ابتدا سبب نگرش مقدمه‌ای کوتاه بر کتاب دکارت شده و پس از آن با استقبال از این اثر، این کتاب جامع تدوین و به مخاطبان تقدیم شده است:

«پس برای مزید فایده، مقدمه‌ای بر آن افزودم و سیر حکمت را در اروپا از عهد باستان تا زمان دکارت به اختصار در آن باز نمودم و به چاپ رسانیدم... [این اثر] پسند خاطر دانش‌طلبان گردیده تاآنجا که آرزومند شده‌اند که دنباله‌ی آن نیز برای نمودار ساختن سیر حکمت از زمان دکارت تاکنون نگاشته شود» (فروغی، ۱۴۰۰، اب: ۳).

۳ نتیجه

واردکردن دانش‌های جدید به هر کشور و زبانی در مرحله‌ی نخستین نیاز به گزینش برخاسته از آگاهی دارد. برای گزینش باید دوره، جامعه و فرهنگ آن مورد سنجش قرار بگیرد. پس از گزینش دانش مناسب، نحوه‌ی بیان و ارائه‌ی این علم در زبان مقصد براساس مخاطب هدف تنظیم می‌شود. تمامی این مراحل را می‌توان ذیلی بر بلاغت تعلیم و تربیت به شمار آورد. محمدعلی فروغی از جمله پیشتازان ترجمه و انتقال دانش‌های جدید به کشور در دوره‌ی معاصر است. فروغی که بر حوزه‌های مختلف دانش مسلط بوده و نگاهی چندجانبه داشته، در مراحل مختلف جذب و انتقال دانش‌ها از مجموعه‌ی این آگاهی‌ها بهره برده است. در ابتدا به سبب عهده‌داری مناصب سیاسی و روابط بین‌الملل با کشورهای خارجی و دانش‌های جدید آن‌ها آشنا شده و با بهره‌مندی از ظرایف آن زبان‌ها و ارتباط با دانشمندان این علوم با این شاخه‌های نو از دانش آشنا شده است. در مرحله‌ی بعد با توجه به آگاهی از وضعیت دانش و ظرفیت‌های جامعه‌ی ایران، نیاز روزگار و کشور را سنجیده و علوم مناسب را انتخاب کرده، پس از آن با اتکا بر میراث ادب

«افلاطون با آنکه شعر و صنعتگری [یا هنر] را نسبت به حکمت و معرفت، خوار می‌پنداشت، خود ذوق و قوه‌ی شاعری سرشار داشت. مقام علمی او نیز مخصوصاً در ریاضیات عالی بوده و گفته‌اند که بر سر در باغ آکادمی نوشته بود «هرکس هندسه نمی‌داند، وارد نشود». بنابراین افلاطون... با آنکه اعراض از دنیا و احتراز از آرایش‌های آن را بر حکیم واجب می‌دانست و در امور معاشی و سیاسیات نیز تحقیق بسیار می‌کرد، بلکه غایت اصلی حکمت را حسن سیاست می‌دانست» (فروغی، ۱۴۰۰، اب: ۲۲).

برتری این اثر زمانی مشخص می‌شود که محتوا و نثر آن را با دیگر آثار نگاشته‌شده در این موضوع قیاس کنیم. موضوعات فلسفی بیان شده در قالب کتاب‌ها، عمدتاً خشک و خسته‌کننده هستند و برای مخاطب علاقه‌مند جاذبه‌ای ایجاد نمی‌کند. حال آنکه نثر سیر حکمت، نثری داستان‌گونه است و چون این کتاب اثری تصنیفی است نه ترجمه‌ای، مصنف، قابلیت بیشتری برای استفاده‌ی آزادانه از ظرفیت‌های زبان فارسی داشته و در بند پابندی به مفاهیم کتاب به زبان اصلی نبوده است.

۲،۴،۲ تلاش برای تبیین مفاهیم کتاب ترجمه‌ای

حجم و محتوای کتاب سیر حکمت به گونه‌ای است که در نگاه نخست، کتاب گفتار در روش... ذیلی بر آن پنداشته می‌شود. درحالی‌که فروغی ابتدا این اثر رنه دکارت را ترجمه و سپس نیاز به اثری توصیفی و آموزشی برای مخاطبان را احساس کرده است. تصنیف سیر حکمت به سبب این احساس نیاز صورت گرفته است:

«فروغی در آغاز (در سال‌های پیش از ۱۳۱۷ ه.ش) آهنگ نوشتن تاریخ فلسفه‌ی غرب را نداشت. هنگامی که به ترجمه‌ی گفتار در روش دکارت دست برد و آن را به انجام رساند، برخورد به این که رساله‌ی دکارت به کسانی که از معارف اروپا آگاهی نداشته

فارسی و تسلطی که بر متون کهن داشته، شیوه‌ی مناسب بیان را برگزیده است. کتاب‌هایی که فروغی به واسطه‌ی ترجمه و تدوین آن‌ها دانش‌های جدیدی را به کشور وارد کرده، از نظر بیان روان و مناسب قشر مخاطبان، نمونه‌های پیشتازی به شمار می‌روند که برای نشر علوم و ترجمه‌ی بهینه‌ی آثار می‌توان از آن‌ها به عنوان الگو بهره برد. ازسویی این دانش‌های جدید به واسطه‌ی ورود از رهگذر کتاب‌های برگزیده

و بلیغ، همچنان در میان دانشمندان و در دوره‌های بعدی، علاقه‌مندان به علوم، پررونق باقی ماند. فروغی در وارد کردن دانش‌های حقوق و اقتصاد از گذرگاه تألیف و ترجمه و در انتقال دانش فلسفه‌ی اروپایی به ایران از ترکیب این دو شیوه بهره برده است. جامعیت روش فروغی در انتقال فلسفه به ایرانیان موجب جذب این اثر در جامعه و ماندگاری آن شد.

منابع

- شجاعی جشقانی، مالک، (۱۳۹۰)، فروغی و تاریخ نگاری سیر حکمت در اروپا، کتاب ماه فلسفه، آذر ۱۳۹۰، شماره‌ی ۵۱، صص ۵۱-۵۹.
- شجاعی جشقانی، مالک، (۱۳۹۸)، مناسبات «فلسفه و ترجمه‌ی فرهنگی» در ایران معاصر (مطالعه‌ی موردی: سیر حکمت در اروپا)، غرب شناسی بنیادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دهم، شماره‌ی اول، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۷۱-۹۰.
- عبداللهی، نیلوفر سادات و عفت نقابی، (۱۴۰۲)، عوامل ادبی و اجتماعی تأثیرگذار بر بلاغت ترجمه‌های کتاب "گفتار در روش به کار بردن خرد" (مطالعه‌ی موردی: ترجمه‌های ملالاله زار همدانی و محمدعلی فروغی)، دوفصلنامه‌ی پژوهش‌های ادبی-فلسفی، دوره‌ی اول، ش ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص ۱۶۲-۱۴۷.
- فروغی، محمدعلی، (۱۴۰۱الف)، اصول ثروت ملل یعنی اکونومی پلیتیک (اولین کتاب اقتصاد کلاسیک در ایران)، چاپ دوم، تهران: آماره.
- فروغی، محمدعلی، (۱۳۱۵)، تاریخچه‌ی حقوق، تهران: معارف.
- فروغی، محمدعلی، (۱۳۸۳)، حقوق اساسی (یعنی) آداب مشروطیت دُول (اولین کتاب حقوق اساسی در ایران)، به کوشش: علی اصغر حقدار، ویرایش دوم، تهران: کویر.
- فروغی، محمدعلی، (۱۳۹۶، ب)، خاطرات محمدعلی فروغی به همراه یادداشت‌های روزانه از سال‌های ۱۲۹۳ تا ۱۳۲۰، به کوشش: محمد افشین‌وفایی و پژمان فیروزبخش، تهران: سخن.
- فروغی، محمدعلی، (۱۴۰۰الف)، سیاست‌نامه ذکاءالملک: مقاله‌ها، نامه‌ها و سخنرانی‌های سیاسی محمدعلی فروغی، به کوشش: ایرج افشار و هرمز همایون‌پور، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار و سخن.
- فروغی، محمدعلی، (۱۴۰۰ب)، سیر حکمت در اروپا به همراه گفتار در روش راه بردن عقل، نوشته: رنه دکارت، به تصحیح و تحشیه: امیر جلال‌الدین اعلم، چاپ سوم، تهران: نیلوفر.
- فروغی، محمدعلی، (۱۴۰۱ب)، نامه‌های محمدعلی فروغی، به کوشش: محمد افشین‌وفایی، مهدی فیروزیان حاجی، چاپ اول، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- فروغی، محمدعلی، (۱۳۹۷)، یادداشت‌های روزانه از محمدعلی فروغی (۲۶ شوال ۱۳۲۱-۲۸ ربیع الاول ۱۳۲۲ قمری)، به کوشش: ایرج افشار، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- فروغی، محمدعلی، (۱۳۹۵)، یادداشت‌های روزانه‌ی محمدعلی فروغی از سفر کنفرانس صلح پاریس دسامبر ۱۹۱۸- اوت ۱۹۲۰، به کوشش: محمد افشین‌وفایی و پژمان فیروزبخش، چاپ دوم، تهران: سخن.

مجتهدی، کریم، (۱۳۸۸)، آشنایی ایرانیان با
فلسفه‌های جدید غرب، تهران:
پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی
اسلامی.

موسوی، سید بهرام، (۱۳۹۸)، کارنامه‌ی
سیاسی - فرهنگی محمدعلی فروغی،
چاپ اول، تهران: عرفان.